

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

ولایت فقیه و دموکراسی

به وسیله‌ی:

محمد حسن عظیمی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی

از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

حقوق عمومی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه :.....بسیار خوب.....

دکتر سید محسن شیخ‌الاسلامی استادیار دانشکده حقوق (رئیس کمیته)

دکتر محمد هادی صادقی استادیار دانشکده حقوق

دکتر عباس کشاورز استادیار دانشکده حقوق

بهمن ماه 1379

۱۵۶۹۱

کتابخانه تخصصی حقوق  
دانشگاه شیراز

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۱

تقدیم به همسر خانم نوشین خواجه

تقدیم به تمام شهیدان ناشی از بمبهای شیمیایی

تقدیم به تمام مجروحان جنگ تحمیلی خصوصاً « شیمیایی‌ها »

## سپاسگذاری

اکنون که این رساله به پایان رسیده بر خود واجب می‌دانم که از اساتید محترمی که در این تلاش مرا همراهی نموده‌اند کمال قدردانی و تشکر را بنمایم. از آقای دکتر سید محسن شیخ الاسلامی استاد راهنمایم و جناب استاد ریاست محترم دانشگاه شیراز آقای دکتر محمد هادی صادقی که بیشترین راهنمایی‌ها و معاضدتها را به حقیر ارائه فرمودند و آقای دکتر کشاورز و دکتر اخوان صمیمانه قدردانی نموده و آرزوی موفقیت ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

در پایان از بهترین سرمایه‌های زندگی ام، خانواده بزرگووارم و همسر مهربانم که در همه حال حامی و مشوق من بوده و هستند از صمیم قلب تشکر و قدردانی می‌نمایم.

## چکیده

### ولایت فقیه و دموکراسی

به وسیله ی:

محمد حسن عظیمی

اساساً دموکراسی دارای مدل‌ها و انواع متعدد و متفاوتی است. لکن در یک نگرش کلی می‌توان آن را به پنج نوع تقسیم نمود: ۱- دموکراسی باستانی ۲- دموکراسی پشتوانه‌ای ۳- دموکراسی تکاملی ۴- دموکراسی مستقیم ۵- دموکراسی نخبه‌گرا. در دموکراسی باستانی شهروندان بطور مستقیم در امر قانونگذاری، قضائی شرکت داشته و قوه مجریه تحت نظارت ایشان و توسط نمایندگانشان اداره می‌شود در دموکراسی پشتوانه‌ای شهروندان جهت تضمین منافع خویش، خواستار حمایت حاکمان می‌باشند. در دموکراسی تکاملی علاوه بر مقوله حمایت حکام، شهروندان از برابری سیاسی و اقتصادی نیز برخوردار خواهند بود. در دموکراسی مستقیم، نهایتاً نهاد دولت از میان برداشته شده و شهروندان که از استثمار رهایی یافته و بهره‌مند از برابریهای سیاسی و اقتصادی کامل می‌باشند، به رتق وفتق امور جامعه می‌پردازند، دموکراسی نخبه‌گرا، نقش مردم در امر حکومتداری را به حداقل رسانیده و تنها انتخاب نخبگان سیاسی کاردان را از بین تعدادی که حاکمیت صلاح می‌داند، بعهده مردم واگذار می‌کند.

از طرف دیگر دموکراسی دارای اصولی است همچون: تفکیک قوا، حکومت قانون، احترام به حقوق افراد، رعایت انواع مختلف آزادی‌ها، اعتقاد و تسامح و تساهل، کثرت گرائی، رعایت حقوق زنان و مشارکت این صنف در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی. از سوی دیگر دو برداشت عمده از ولایت فقیه وجود دارد: ۱- برداشتی که ولی فقیه را منصوب از جانب خداوند دانسته و نقش مردم را از باب کارآمدی و مقبولیت و نه مشروعیت لحاظ می‌نماید. ۲- برداشت دیگر ولی فقیه را منتخب از جانب ملت می‌داند... بر این اساس می‌توان بدین استنتاج نائل گردید که هم در زمینه انتخاب سردمداران حکومت و هم در مورد رعایت ارکان دموکراسی، قانون اساسی ما بر قوانین اساسی کشورهای مغرب زمین قابل انطباق خواهد بود، با این تفاوت که در برخی موارد دارای قبض و بسط می‌باشد، بعبارت بهتر در بعضی جاها قانون اساسی ما این موارد را حتی بهتر رعایت نموده و در برخی موارد، مضیق‌تر و محدودتر عمل کرده است. اما بطور کلی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانونی مردم سالار و دموکرات می‌باشد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	فصل اول : دموکراسی و اصول آن
۴	۱-۱- انواع دموکراسی
۴	۱-۱-۱- دموکراسی باستانی
۱۳	۱-۱-۲- دموکراسی پشتمانه‌ای
۲۹	۱-۱-۳- تفکیک قوا : منتسکیو
۳۲	۱-۱-۴- مدیسون
۳۶	۱-۱-۵- دموکراسی تکاملی
۴۱	۱-۱-۶- دموکراسی منهای دولت : مارکس و انگلس
۴۴	۱-۱-۷- دموکراسی نخبه‌گرایانه
۵۱	۲-۱- اصول دموکراسی
۵۱	۱-۲-۱- حکومت قانون
۶۶	۲-۲-۱- آزادی‌های عمومی
۷۸	۳-۲-۱- تساهل
۸۴	۴-۲-۱- پلورالیسم
۹۸	۵-۲-۱- دموکراسی و حقوق زنان
۱۰۳	۶-۲-۱- تفاوت دموکراسی و لیبرالیسم
۱۰۵	۷-۲-۱- سخن آخر در تعریف دموکراسی
۱۰۶	فصل دوم: نقش مردم در حاکمیت فقیه
۱۰۷	۱-۲- تاریخچه و کلیات بحث

- ۱۰۹ ۱-۱-۲- معنا و ریشه لغت ولایت
- ۱۱۲ ۲-۱-۲- تبیین ولایت فقیه
- ۱۱۳ ۳-۱-۲- اطلاق
- ۱۲۰ ۴-۱-۲- ولایت انتصابی و مطلقه فقیه
- ۱۲۲ ۵-۱-۲- ولایت انتصابی عامه
- ۱۲۴ ۶-۱-۲- دموکراسی از نظر امام خمینی و سایر  
فقه‌های حامی ولایت انتصابی و مطلقه فقیه
- ۱۳۲ ۲-۲- ولایت فقیه و دموکراسی
- ۱۳۹ ۱-۲-۲- دلایل مشروعیت رای مردم در انتخاب حاکم اسلامی
- ۱۴۷ ۲-۲-۲- بیعت
- ۱۵۲ ۳-۲-۲- شورا و مشورت
- ۱۵۹ ۴-۲-۲- تقیه فاکتوری برای همسویی با اکثریت
- ۱۶۱ ۵-۲-۲- نقش مکانیسم عرفی شدن دستگاه فقهی دلیلی بر  
قابل جمع بودن ولایت مطلقه فقیه و مردم در حکومت دینی
- ۱۶۴ ۳-۲- نظرات دولت مردسالارانه در نگاه فقها و دانشمندان اسلامی
- ۱۶۴ ۱-۳-۲- ولایت انتخابی و مقیده فقیه
- ۱۷۰ ۲-۳-۲- دولت مشروطه با نظارت فقها
- ۱۷۶ ۳-۳-۲- جمع میان دو نظریه انتصاب و انتخاب
- ۱۷۶ ۴-۳-۲- دولت انتخابی اسلامی
- ۱۷۷ ۵-۳-۲- جواز تصرف فقیه
- ۱۷۸ ۶-۳-۲- نظارت فقیه
- ۱۷۹ ۷-۳-۲- نظریه حاکمیت مردم و وکالت حاکمان در متون فقهی
- ۱۸۲ ۸-۳-۲- حکومت دموکراتیک دینی
- ۱۸۵ ۴-۲- امامت ( کلیات)
- ۱۸۶ ۱-۴-۲- انتخاب امام از نظر اهل تسنن
- ۱۹۱ ۲-۴-۲- تفاوت امامت و خلافت
- ۱۹۲ ۳-۴-۲- حکومت دینی در نگاه تجددخواهان سنی عصر جدید
- ۱۹۸ ۴-۴-۲- علل اصلی دورافتادگی اندیشه سیاسی شیعه از نظام‌های  
مردم‌گرا و تمایل به سوی حکومت‌های استبدادی و مطلقه
- ۱۹۹ ۵-۴-۲- چالش ولایت فقیه و دموکراسی
- ۲۰۲ ۶-۴-۲- تعریف نهایی ولایت فقیه و نقش مردم در آن

۲۰۳	فصل سوم: جمع ولایت فقیه و دموکراسی در قانون اساسی
۲۰۳	۳-۱- کلیات
۲۰۳	۳-۱-۱- جلوه‌های مشارکت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
	۳-۱-۲- مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ،
۲۰۸	بهترین دلیل بر همساز بودن حاکمیت دینی با مقوله دموکراسی
۲۱۰	۳-۱-۳- تجلی مفاهیم بنیادین دموکراسی در قانون جمهوری اسلامی ایران
۲۲۴	۳-۱-۴- همه‌پرسی
۲۲۹	۳-۲- ولایت فقیه و اصول دموکراسی
۲۲۹	۳-۲-۱- آزادی
۲۳۲	۳-۲-۲- آزادی در حکومت اسلامی
۲۳۴	۳-۲-۳- انواع آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی
۲۳۵	۳-۲-۴- قانونگذاری و نقش مردم در حکومت اسلامی
۲۳۹	۳-۲-۵- قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و اصل رواداری
۲۴۰	۳-۲-۶- قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصل کثرت‌گرایی

۲۴۲	فصل چهارم: نتیجه‌گیری
۲۴۷	منابع و مآخذ



## مقدمه

سازگاری میان دموکراسی و ولایت فقیه یا تضاد بین این دو مقوله از ابتدای انقلاب اسلامی خصوصاً پس از بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ بیشتر اندیشمندان خصوصاً محافل سیاسی و حقوقی را به سوی خویشتن جلب نموده است.

آنچه که قابل توجه است، اینکه تمام این کنفرانس‌ها و جلسات متأسفانه به هیچ وجه ریشه‌ای به موضوع نپرداخته و حتی زحمت تعریفی صحیح از این دو عنوان را به خود نداده تا چه رسد به اینکه به اصول و ارکان این دو نظریه پرداخته و جزء به جزء را با یکدیگر انطباق داده و موارد تشابه و تضاد این دو مکتب را با یکدیگر مقایسه نمایند.

دموکراسی گرچه میراث اندیشه باستان، خصوصاً یونان و روم است، اما اشکال جدید آن از نتایج عصر مدرن می‌باشد. بعبارت بهتر دموکراسی و لوازم آن ثمره فضای بعد از ظهور ماکیاولی است. فلسفه سیاسی که بعدها ماهرانه بدست اشخاصی چون روسو، هابزولاک صیقل خورد و در انقلاب فرانسه عملاً زمام امور را از دست دولت قدیم بازستاند. از سوی دیگر نظام ولایت فقیه که ابتناش بر فلسفه سیاسی قدسی صورتبندی و بطریق اولی ریشه در سنت و دولتهائی از این دست دارد، تا چه اندازه با دموکراسی که بازتاب تفکر سیاسی مدرن است، سازگاری خواهد داشت الله اعلم.

در این نوشتار بر آنیم که جبران مافات نموده و دم را غنیمت شمرده و فارغ از هر گونه پیش‌داوری و تمسک به چپ‌لوسی و قسم و آیه و اندیشیدن تمهیدی برای پایبندیمان به دموکراسی یا اثبات ایمان به ولایت فقیه، ارکان و اصول این دو نگره را بازگو و کار را به عنایت رها کرده و با پای پوش توکل طی طریق نموده و لاحول گویان از شرخناسان مراحل این وادی را سپری و نهایتاً یا به مراد رسیده و شیرینی صلح این دو را چشیده و برگنج این دو سرای عاشق کش نشینیم یا ما نیز کشته جنگ و نزاع این دو معشوق عاشق کش گردیم.

ترسیدن ما زانکه هم از بیم بلا بود

اکنون زچه ترسیم که در عین بلائیم

البته چنین کاری بس عظیم است و هر که را یاری آن نیست. چه آنکه دموکراسی و حکومت بر خویش ریشه در فطرت آدمی داشته و دارای آبشخوری عظیم از میراث قدما و مکاشفات اندیشمندان متجدد می باشد. اما آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

شریعت اسلامی نیز با عجین گشتن در مدینه حجم بسیار گسترده‌ای از احکام را در خود جا داده و نظرات خویش را بطور مبسوط در تمام زمینه‌ها خصوصاً فقه‌الدوله ارائه نموده است.

باری در تحقیق حاضر ابتدائاً به دموکراسی پرداخته و انواع آن را شرح و سپس سراغ اصول و ارکان آن رفته و پس از سلوک در این وادی وارد مرحله "ولایت فقیه" شده‌ایم. ولایت فقیه را نیز تعریف نموده و بعداً انواع حکومت‌های مردم نقش را در فقه سنتی شیعه مورد تحقیق و تدقیق قرار داده‌ایم. همچنین در این مسیر از فقه اهل سنت غافل نمانده و لمح‌های نیز به آن پرداخته و به اندازه استطاعت از آن بهره‌ها برده‌ایم که گفته‌اند: "تکلیف به قدر استطاعت است و زیاده بر آن مالا یطاق"

در سومین سفر و آخرین سیر، بازگشت به قانون اساسی خودمان نموده و با همت از انفاس قدسی حقوقدانان و نویسندگان و صاحبان اندیشه این دیار به کنکاشی بسیار خلاصه در قانون اساسی پرداخته و سعی نموده‌ایم تا آنجا که ممکن است پرده‌های حجاب از رخ آن زیبا رو کنار زده و با دیدی آسیب شناسانه گوهر دموکراسی را در دریای مواج ولایت مدار قانون اساسی صید نمائیم. لکن با تمام این اوصاف، فرض را بر تطبیق پذیری این دو، لااقل در قانون اساسی گذاشته‌ایم. چه آنکه نظام جمهوری اسلامی علاوه بر آنکه توسط مردم بر سر کار آمد، نظامی است که از همان ابتدا انگ مردم سالاری را بر پیشانی داشت و این گفته بارها توسط رهبر فقید انقلاب و دیگر سردمداران انقلاب تکرار و تأکید گردید. روش تحقیق نیز بطریق کتابخانه‌ای بوده و سعی شده است که علاوه بر کتب فارسی و عربی که از امهات منابع این تحقیق ناچیز است، از مطالب جدید و نوین مندرج در نشریه‌ها و روزنامه‌ها استفاده شود. الم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمه الطبیبه کشجره الطبیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء توّتی اکلها کل حین باذن ربها و یضرب الله الامثال للناس لعلهم یتذکرون.

فصل اول  
دموکراسی و اصول آن

## ۱- دموکراسی و اصول آن

### ۱-۱- انواع دموکراسی

#### ۱-۱-۱- دموکراسی باستانی

محل نشو و نمای دموکراسی، اگر چه به روایت تذکره نویسندگان و تاریخ گویان در آتن قرن پنجم بود، لکن غفلت و استتکاف از مطالعه و تحقیق فراتر از این مقوله خلاف راه صواب است. چه آنکه به لحاظ تاریخ زمانی عواملی پیش از قرن پنجم باعث ظهور دموکراسی در آتن عهد باستان گردیده بود. کاوش‌ها و کشفیات سالهای اخیر نشان داده‌اند که دوران ماقبل تاریخ (بیش از سی قرن قبل از میلاد مسیح) تمدنی بسیار شکوفا در دریای اژه وجود داشته که مرکز آن در جزیره کرت بوده و نیز ارتباط زیادی با مصر و ایران ماقبل تاریخ داشته است.<sup>۱</sup>

در اواخر قرن نهم قبل از میلاد در یونان هر شهر پادشاه مخصوص به خود را دارا بود و شورائی از سالخوردگان را داشت و در مواقع بروز مشکلات این دو نهاد اقدام به احضار شهروندان جهت چاره‌جویی می‌نمود. ناگفته نماند که اتباع بیگانه و بردگان در این دوران از هر گونه حقوق سیاسی محروم بوده‌اند. بدیهی است که اینگونه نظام سیاسی در جهتی کاملاً مغایر با پادشاهی‌های شرقی سیر می‌نمود. بدین معنا که شهر هیچگاه به حکومت یک فرد بر سایر اشخاص تغییر مسیر نمی‌داد.<sup>۲</sup>

از قرن هفتم قبل از میلاد طی تحولاتی، دموکراسی‌های کلاسیک، دولت-شهر یونانی اندک اندک پدیدار و از قرن هشتم قبل از میلاد به بعد حکومت پادشاهی کاملاً ملغی گردید و نظام و تشکیلات پادشاهی تنها در شهر اسپارت باقی ماند.

در این حکومت، تمام مشاغل عمومی، صورت موقت یافت و گاه اشخاص متعددی برای شغلی واحد انتخاب می‌شدند.

<sup>۱</sup>- پرفسور موسکا و دکتر بوتز، تاریخ عقائد و مکتبهای سیاسی، ۱۳۶۳، ص ۲۴

<sup>۲</sup>- همان، ص ۳۵

مشروعیت حکومت بپاخاسته از مردم بود و ایشان آزاد بودند که فرمانروایان خویش را از طریق انتخابات به کار برگمارند.<sup>۱</sup>

بسط دموکراسی در آتن مقدمه آرمان‌های سیاسی از قبیل مساوات آزادی و قانون‌گرایی و عدالت بوده است. البته متفکرانی چون افلاطون ارسطو و توسیدید این امر میراث آتن را چشم بسته قبول نمودند و حتی به جرات می‌توان اقرار نمود که نه تنها این بزرگان از مخالفان دموکراسی بودند، بلکه هیچ نظریه‌پرداز و تئوریسین بزرگی در آتن عهدباستان وجود ندارد که بتوان برای تحقیق و تدقیق دموکراسی به آثار او مراجعه نمود. البته گزارش ما از این دموکراسی براساس کنار هم نهادن بریده‌ها و قطعات منتقدان و احیاناً یافته‌های باستان‌شناسان و مورخان است.

پرکلیس در خطا به معروف خویش در توصیف دولت-شهر آتن متذکر می‌شود که قانون اساسی ما دموکراسی نامیده می‌شود. قدرت در دست تمام مردم است و همگی در مقابل قانون برابرند. او خاطر نشان می‌نماید که ما در زندگی خصوصی خویش آزادیم، لکن در مسائل عمومی قانون را در نظر می‌گیریم. وی در آخر یادآوری می‌نماید که کسی که به زندگی سیاسی خویش بی‌اهمیت است، نمی‌گوییم سرگرم کار خویش است، بلکه بر این عقیده‌ایم که او را در اینجا کاری نیست.<sup>۲</sup>

در دموکراسی آتنی همانگونه که سید جواد طباطبایی نیز متذکر شده است، آنگونه حوزه عمومی و خصوصی اشخاص با هم ترکیب شده بود که فرد تنها در داخل شهر می‌توانست به فضیلت کامل نائل و زندگی شرافتمندانه‌ای را ادامه دهد. بعبارت بهتر فضائل فرد تنها در اجتماع تحقق یافته و فقط کمالات شخص در میان عموم به منصف ظهور می‌رسید.<sup>۳</sup>

افلاطون از زبان سقراط نقل می‌نماید که در دموکراسی: "همه جا پر از آزادی است، هر کس هر آنچه بخواهد می‌گوید و هر کاریکه موافق میلش باشد، انجام می‌دهد."<sup>۴</sup>

به گمان افلاطون، اینگونه حکومت دارای ظاهری زیباست، لکن قادر نخواهد بود که انسان را به رستگاری و کمال هدایت نماید. از نظر وی فرد لایق نه تنها مجبور به حکمرانی در این حکومت نیست، بلکه از چنین کاری که وظیفه و شایسته اوست، بازداشته می‌شود.

<sup>۱</sup> همان، ص ۳۷ و ۳۹.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۳.

<sup>۳</sup> سید جواد طباطبایی، زوال اندیشه سیاسی در ایران، ۱۳۷۵، ص ۱۹.

<sup>۴</sup> افلاطون، جمهور، ۲۵۳۶، ص ۴۷۸.

به زعم افلاطون: "در این حکومت اغماض و سهل‌انگاری به منتها درجه معمول است و اصولی که در ضمن تاسیس آرمان شهر کمال اهمیت را داراست، قدر و منزلتی نخواهد داشت."<sup>۱</sup> سرانجام نتیجه‌ای که افلاطون از این شیوه حکومتی می‌گیرد اینکه: "حکومت هرج و مرج و تلون، حکومتی است که مساوات را هم درباره آنچه مساوی است و هم درباره آنچه نامساوی است رعایت می‌کند."<sup>۲</sup>

قابل ذکر است که نام جمهوریت، که کتاب افلاطون نیز بر همین معناست، نه به معنای حکومت جمهوری و یا حکومتی که مردم زمام امور را در دست داشته باشند که در علوم سیاسی نوین رایج است، بلکه کلمه جمهوری، در بیان افلاطون، چیستی و ماهیت تشکیلات سیاسی است. بدین معنا که دولت اساساً چیست و آن عواملی که به دولت هستی می‌بخشند کدامند؟ به عبارت بهتر افلاطون از واژه جمهوری اساس فلسفه سیاسی یعنی چیستی حکومت را مورد بحث و کنکاش قرار می‌دهد.<sup>۳</sup>

اما ممیزات جدید و نوین که توسط ماکیاولی و هابز میان دولت و اجتماع مطرح گردید بدین معنا که وظایف شهروندان محدودیت یافت و مردم اصولاً جز شرکت محدود در انتخابات و وظیفه‌ای در قبال دولت در وجود خویش احساس نمودند، با فلسفه سیاسی دولت شهرهای آتنی بیگانه و ناآشنا می‌نمود. اصل حکومت به معنی مشارکت مستقیم افراد که (گفتگوی صحیح) نامیده می‌شد، میراث یونانی باستان بود و قانون حکومت، قانون افراد بود.

قانون رو در روی استبداد و خودرایی قرار داشت و حفظ آزادی احترام به قانون را می‌طلبید. به عبارت بهتر در دولت شهرهای آتنی هیچگونه محدودیتی به استثناء عملکردهای خود سرانه و نابخردانه وجود نداشت. فرد می‌توانست از طریق مشارکت و زندگی عمومی شهر تمام خواسته‌ها و تمایلات خویش را ارضاء و مصلحت عمومی سبته را نیز تامین نماید.

اما با تمام اینها، فقط اقلیتی از جمعیت آتن در ردیف شهروندانی که دارای حقوق خاص خویش بودند قرار می‌گرفتند. به جرأت می‌توان اقرار نمود که گروه کثیری از افراد محروم از هر گونه حقوق سیاسی بوده و مردان آتنی ۲۰ سال به بالا، صلاحیت شهروندی را دارا بودند. دموکراسی آتن نوعی دموکراسی مردسالاری بود و زنان هیچگونه حقوق سیاسی نداشتند.

<sup>۱</sup> - همان، ص ۴۷۹.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۴۸۰.

<sup>۳</sup> - مایکل ب. فاستر: "خداوندان اندیشه سیاسی" جلد اول، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۶ ص ۴۰.

همچنین مهاجرینی که اجدادشان، چند نسل قبل در آتن اقامت گزیده بودند نیز در شمار زنان و غلامان بودند. برابری سیاسی تنها برای معدودی بود و افراد زیادی از مردم آتن از این برابری محروم بودند.<sup>۱</sup>

حال سوالی که مطرح می‌شود اینکه آیا می‌توانیم، به درستی حکومت آتن را نوعی دموکراسی بدانیم؟ "تردیدی نیست که نظام سیاسی آتن باستان، بربنیادی کاملاً غیر دموکراتیک استوار بود. اما بجاست که هم صدا با فینیلی تاکید کنیم که انتخاب میان حکومت به وسیله گروهی محدود یا حکومت به وسیله اکثریت، نوعی انتخاب معنی‌دار بوده و حقوقی که گروه‌های گوناگون، مدعی برخورداری از آن بودند و به خاطر آن به شدت مبارزه می‌کردند، بسیار اهمیت داشت، هر چند اکثریت در واقع اقلیتی از جمعیت بود."<sup>۲</sup>

به طور کلی می‌توان ادعا نمود که نظام سیاسی آتن، نظامی و الیتار و از نخبگان خانواده‌های ثروتمند و صاحب نفوذ بوده است.<sup>۳</sup>

به عبارتی دیگر دموکراسی آتن را می‌توان از مجرای مشارکت عمومی مردمی که خود اقلیتی از جمعیت آتن بوده‌اند، مورد تدقیق و ملاحظه قرار داده، که صد البته دموکراسی واقعی و مستقیم در میان این حداقل به گونه‌ای باور نکردنی وجود داشته است.

دولت شهر آتن اصولاً دارای شفافیت فرهنگی، مشارکت وسیع مدلی در امور حکومتی، عدم کنترل بوروکراتیک بوده و تمنای نوعی احساس وظیفه عمومی، در اعماق جان شهروندان موج می‌زد<sup>۴</sup> و آزادی تنها از مجرای شکوفایی فرد برای به فعلیت رسانیدن نقش خویش در شهروند برای فرد فی نفسه قابل تصور و گفتگو بود.

---

۱- دیوید هلد: مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران، ۱۳۶۹.

۲- همان، ص ۴۴.

۳- همان، ص ۵۱.

۴- همان، ص ۵۸.

## ۱-۱-۱-۱- انتقادات وارده بر دموکراسی آتن

گرچه بسیاری از این انتقادات را قبلاً پیش کشیده و بیان نمودیم همچون نظام غلام بارگی و بی‌اعتنایی به حقوق بیگانگان و بی‌توجهی به حقوق سیاسی زنان. لکن مهمترین اشکال این رژیم همانا آزادی و برابری افراطی است که موجب بروز هیجانات و احساسات و تعصبات افراد در امر حکومت می‌گردید، که نمود آن را در محاکمه مصلحی همچون سقراط می‌توان مشاهده نمود.

عدم تخصص و مهارت اشخاص در امور حکومت نیز فاکتور بسیار مهمی است که منتقدان تیزبین را وادار به انتقاد از این دولت-شهرها نموده است. افلاطون گرچه بعدها در کتاب قوانین و دولتمرد موضع‌گیری شدید خویش را علیه دموکراسی تا حدی تعدیل نمود لکن در کتاب جمهور خویش با پیش کشیدن حکایت (ناخدای کشتی) بر این مقوله پافشاری و اصرار می‌ورزد که دموکراسی، اصولاً حکومت افراد غیرمتخصص است علی‌رغم آنکه حکومت تنها از آن حکما و فلاسفه است که متخصص این مهم می‌باشند.

از سوی دیگر در دموکراسی، انتخاب رهبران مشروط بر خواست و سلیقه مردم است و به ناچار اولیای امر تمایل به این دارند که به گونه‌ای عمل نمایند که عامه مردم را خوش آید. به گمان افلاطون آزادی و برابری افراد، عاقبت الامر در مقابل نظم و ثبات جامعه قرار خواهد گرفت. یعنی آن هنگام که افراد آزاد باشند که به دلخواه خویش عمل نمایند عاقبت چنین آزادی، حرمت و اقتدار سیاسی جامعه را تحت الشعاع قرار خواهد داد و شهروندان دیگر هیچگونه محدودیتی را تحمل نخواهند نمود. در نتیجه وحدت و انسجام سیاسی در معرض تهدید و شکست قرار خواهد گرفت و عرصه سیاست به میدان منازعات فرقه‌ای مبدل خواهد گردید در چنین شرایطی، تعهدات دولت در مقابل شهروندان نقض و بالطبع عدالت قربانی خواهد گردید و بلاشک زمینه استبداد فراهم خواهد شد. مستبدانی که از فن حکومت داری کاملاً بی‌بهره خواهند بود.<sup>۱</sup>

در مثال دیگر که معروف به حیوان بزرگ و نیرومند است. افلاطون توده مردم را به یک حیوان بزرگ و نیرومند تشویق می‌نماید و دولت را رام‌کننده‌ای می‌داند، که اگر تنها تمایلات

<sup>۱</sup>- افلاطون، جمهوری، جلد چهارم ترجمه محمد حسن لطفی، انتشارات خوارزمی، بی‌جا، ۲۵۳۷، صص ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵.



حیوان را بشناسد و صرفاً براساس آن تمایلات و خواسته‌ها با او رفتار کند و فقط رسالت خویش را پاسخ‌گویی به آن غرائض و خواسته‌های حیوانی بداند، از این حقیقت که کدام این- تمایلات نیک و زیباست و کدام یک زشت و ناروا، بی‌شک دور می‌ماند.<sup>۱</sup>

روی هم رفته، می‌توان گفت که از نظر افلاطون، مسائل و مشکلات جامعه جز با حکومت فلاسفه حل نخواهد شد و دموکراسی تنها حکومتی است که پاسخگویی ضروریات و تمایلات افراد است لکن جامعه را از وصول به عدالت که همانا، هماهنگی و توازن در قواره اجتماع می‌باشد، باز می‌دارد. البته افلاطون گرچه از منتقدان دموکراسی بود و چنین حکومتی را حکومت هرج و مرج می‌داند، لکن به همان اندازه بلکه بیشتر گریزان و متنفر از استبداد و اختناق و خودرایی حکام و دولتمران می‌باشد.

#### ۱-۱-۱-۲- مختصات دموکراسی باستانی

حال که دانستیم دموکراسی نه تنها مقبول اندیشمندان و متفکرانی همچون افلاطون نبود، که تا حد زیادی مطرود و منفور افرادی چون او بوده است، می‌توانیم مختصات و روشهای دموکراسی باستان را چنین توصیف و تشریح نماییم: ۱- مردم فرمانروایان را از بین خویش انتخاب می‌نماید. ۲- خواست تمام مردم بر یک نفر برتر بوده و هر کس باید به ترتیب بر دیگران حاکم باشد. ۳- نباید در انتخاب فرمانروایان دارایی و ثروت شرط باشد. ۴- هیچ منصبی را نباید بیش از یک بار به یک تن سپرد. ۵- مدت تصدی هر منصب باید کوتاه باشد. ۶- اقتدار نهایی از آن پارلمان است. ۷- هماهنگی که نشان الیگارش‌ی تبار بلند و دارائی و فرهیختگی است، علامت دموکراسی نژاد پست و تهیدستی و ابتدال است.<sup>۲</sup>

از نظر پریکلئیس که از طرفداران دموکراسی است، بنیاد عدل می‌باید در دموکراسی برابری ارزشی باشد و نه برابری عددی و حال آنکه به زعم ارسطو، اندیشه دموکراتیک برابری در شرایط و نتیجه است، بدین معنا که وی در دموکراسی عدل را برابری در عدد می‌داند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>- افلاطون، جمهوری، ترجمه فواد روحانی، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

<sup>۲</sup>- ارسطو: "سیاست"، ترجمه، حمید عنایت، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم تهران، ۱۳۵۸، ص ۳۶۳ و ۳۶۴.

<sup>۳</sup>- دیوید هلد، پیشین، ص ۳۶.

به گمان ارسطو از دیدگاه دموکراتها آزادی و برابری آن هم در عدد به گونه‌ای تفکیک ناپذیر با یکدیگر ترکیب یافته‌اند و حاکمیت مردم بدون اصل برابری عددی امکان‌پذیر نمی‌باشد. لکن این شاخص و معیار که مردم در حکومت باید برابر باشد، با آزادی مردم در تعارض قرار دارد. بدین معنا که اجبار در تناوب فرمانروایی و فرمانبری، آزادی افراد را تحت‌الشعاع قرار داده و به مداخله نابجا در آزادی دیگران منجر می‌گردد.<sup>۱</sup>

### ۱-۱-۱-۳- مشخصات حکومت آتن

در این نوع از حکومت، شهروندان دارای یک نهاد عالی حکومتی هستند که مجمع ملی نامیده می‌شود. این مجمع در هر سال حدوداً چهار مرتبه تشکیل اجلاسیه داده و حد نصاب برای تشکیل این مجمع ششصد نفر بوده است. کلیه مسائل مهم از قبیل تصویب قوانین، امور مالی، نفی بلد، مسائل خارجی از قبیل ارزیابی عملکرد نظامیان، انعقاد معاهدات، اعلام جنگ و صلح و ... در این اجتماع مورد بحث قرار گرفته و درباره آن تصمیم‌گیری می‌شده است.<sup>۲</sup> همچنین شورای عمومی محکمه آتن (آرئوپاژ) مکلف به نظارت و مراقبت به منظور رعایت قوانین و مقررات توسط شهروندان بوده و با اقتدار تمام، مجازاتهای نقدی و بدنی را در مورد مجرمان و متخلفان تعیین و اعمال می‌نمود.<sup>۳</sup>

اصولاً تمام مقامات دولتی به قید قرعه انتخاب می‌شدند، غیر از مقام خزانه‌داری اموال نظامی و متصدی جشنها و مراسمها و متصدیان عمومی آب که انتخاب آنان با رای علنی انجام می‌گرفت. از سوی دیگر مقامات نظامی نیز با رای علنی انتخاب می‌شدند.<sup>۴</sup> رئیس پارلمان نیز که اپیستات نام داشت، بوسیله قرعه از میان اعضای پارلمان انتخاب می‌گردید. او تنها مدت یک شبانه روز مقام ریاست پارلمان را بر عهده داشت و این ریاست نه می‌توانست تجدید گردد و نه می‌توانست برای یکنفر بیش از یکبار تمدید گردید.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - همان ص ۳۸ و ۳۹.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۴۰.

<sup>۳</sup> - ارسطو: "اصول حکومت آتن"، ۱۳۷۰، ص ۱۶.

<sup>۴</sup> - همان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

<sup>۵</sup> - همان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

بازرسان و متصدیان نیز بوسیله قرعه‌کشی برگزیده می‌شدند.<sup>۱</sup>  
همچنین زندانبانان و مامورین زندان هم با قید قرعه به این سمت انتخاب می‌گردیدند.<sup>۲</sup>

#### ۱-۱-۱-۴- آرمان سیاسی حکومت آتن

بسط دموکراسی در آتن یکی از خواستگاهها و سرچشمه‌های فلسفه سیاسی جدید می‌باشد. عبارت بهتر، اندیشمندان و محققین اندیشه سیاسی امروزه، تمام کوشش خود را صرف این مقوله می‌نمایند، که بر میزان حکومت‌های دموکراتیک افزوده گردد و مردمان یک جامعه خود سرنوشت خویش را رقم زنند. عبارت بهتر همانگونه که در حکومت آتن، زندگی عمومی و خصوصی مردم در هم آنچنان تابیده شده بود که تفکیک‌ناپذیر می‌نمود و فضیلت فرد با فضیلت مدینه یکسان گردیده بود و همانگونه که انسان‌ها در پلیس یا مدینه می‌توانستند به کمال نهائی خویش نائل آمده و استعداد و کمالاتشان را به شکوفائی برسانند و آنچنان که پرکلیس می‌گویند: کسی که به سیاست علاقه ندارد اصولاً او را در اینجا کاری نیست. در زندگی نوین نیز این خواست وجود دارد که شهروندان، بطور مستقیم، مشارکت در امور دولت نمایند. عبارت بهتر شهروندان ایثار در مقابل دولت و تبعیت زندگی خصوصی از حوزه عمومی را سرلوحه قرار دهند و به بیان واضح‌تر مردمان منافع خصوصی خویش را فدای مصلحت جمع نمایند. البته باید به این نکته توجه داشت که میزان دموکراسی در آتن از آنچه تاکنون نیز گفته شده است، به مراتب بیشتر بود.

البته چنین فراخی و گستردگی، خطرهای بیشماری را برای دموکراسی آتن بوجود آورده بود. همانگونه که مردم آتن آرسیدس پیشوای عادل خویش را تبعید نموده و پریکلیس را بنام بی‌دینی از صحنه سیاست طرد نمودند. شهروندان تنها طبقه اندکی بودند و بیگانگان نیز از تابعیت محروم و بردگان که بیش از ثلث از جمعیت را تشکیل می‌دادند، از هیچگونه حقوق

<sup>۱</sup>- همان، ص ۱۷۰.

<sup>۲</sup>- همان، ص ۱۹۰.

اجتماعی برخوردار نبودند. زنان نیز به استثناء طبقه هتایرای یا قواحش ممتاز در انزوای سیاسی کامل به سر می‌بردند.<sup>۱</sup>

در روم نیز همین عناصر باعث تحدید و تهدید دموکراسی گشته و سرانجام باعث محو آن شد هر اندازه که روم قدرت می‌یافت، اقتصاد آن بیشتر متکی به بردگی می‌گردید و همین نهاد بردگی مانع تحقق دموکراسی صحیح در دنیای روم قدیم بود، چه آنکه دموکراسی، حامی حقوقی افراد. بدون ملاحظه موقعیت اجتماعی آنان می‌باشد و این امر تا زمانی که نهاد بردگی مورد قبول بود و جریان داشت، اساساً میسر نمی‌گردید. جالب آنکه هم افلاطون و هم ارسطو هر دو از طرفداران این نهاد بوده و برده را موجودی می‌دانستند که طبیعت، اساساً او را برای خدمت به دیگران آفریده است. اما هر دو حکیم تنها بیگانگان را سزاوار بردگی دانسته و یونانیان را از غلامبارگی و کنیزی معاف نموده و بدینسان تناقض‌گویی و بی‌ثباتی استدلال خویش را در مانحن فیه به اثبات می‌رسانند.<sup>۲</sup>

اندیشمندان رومی نیز بعدها بر علیه این نهاد، سخن‌ها سردادند و استدلال‌ها نمودند. من جمله سیسرون نظریه عدم تساوی افراد را رد نمود و سنکا تفکر بردگی ذاتی را مردود دانست. رواقیون نیز افراد بشر را عموماً دارای عقل و اندیشه دانستند و فرقی میان "آزاد" و "برده" قائل نشدند. حقوقدانان رومی هم تساوی تمام انسان‌ها را به لحاظ برخوردارگی و بهره‌مندی از حقوق طبیعی به اثبات رساندند.<sup>۳</sup>

### ۱-۱-۱-۵- نمودار کلی

در آخر و بعنوان نتیجه کلی می‌توان گفت که در مجموع دموکراسی یونان باستان دارای ویژگی‌ها و مشخصات زیر بوده است:

۱- برابری و آزادی شهروندان در امر حکومت‌داری.

۲- مستقیم بودن نوع دموکراسی

<sup>۱</sup> - ر.م مک آیور: "جامعه و حکومت"، ترجمه ابراهیم علی کنی، چاپ دوم انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۹۴ ص ۲۱۴.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۱۵.

<sup>۳</sup> - دیوید هلد، پیشین، ص.